

پروپلماتیک مطالعات قرآنی سنتی و مدرن (برخی نکات انتقادی-راهبردی برای فلسفه مطالعات قرآنی)

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۰)

سید محمود نجاتی حسینی^۱

چکیده

با وجود حجم معتابهی از متون منقح درباره مطالعات قرآنی که ماحصل پژوهش اسلام‌پژوهان غربی و اسلامی است، به نظر می‌رسد همچنان یک مسأله معرفتی - عقیدتی استراتژیکی درباره گشتالت مطالعات قرآنی موجود و در دسترس مورد تأمل دقیق و شایسته قرار نگرفته است. این مسأله به نظر ما چیزی جز «پروپلماتیک» (مجموعه منظم: ایده، مسأله، مفروض، پرسش، پاسخ، روش، تز، سنتز) مندرج در «مطالعات قرآنی کلاسیک و مدرن» نیست.

از این روی هدف و مضمون مقاله حاضر بازبایی این پروپلماتیک در متن مطالعات قرآنی کلاسیک و مدرن است. از این حیث مقاله با مبنا قرار دادن نمونه‌هایی معرف از متون مطالعات قرآنی مطرح شامل «مطالعات قرآنی کلاسیک و مدرن» و نیز «مطالعات قرآنی غربیان و مسلمانان» در پی «بازبایی هرمنوتیکی» مشخصات و ماهیت پروپلماتیک موصوف در متن این مطالعات است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این بازبایی که به مدد روش - نظریه «هرمنوتیک دینی» انجام خواهد شد، از مایه‌های هنجاری - راهبردی با تمرکز بر دیدگاه انتقادی درباره «پروپلماتیک مطالعات قرآنی کلاسیک و مدرن غربیان و مسلمانان» برخوردار است. به این منظور به اقتضای هدف و مقصود این پژوهش از سه روش متعارف پژوهش علوم اجتماعی فرهنگی نیز سود خواهیم برد: «مرور ادبیات»، «مرور سیستماتیک» و «تحلیل محتوای کیفی متن».

واژگان کلیدی: مطالعات قرآنی سنتی و مدرن، هرمنوتیک دینی، پروپلماتیک مطالعات قرآنی، بازبایی هرمنوتیکی، فلسفه مطالعات قرآنی.

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، گروه فرهنگ و رسانه؛ دانشگاه آزاد اسلامی تهران، nejati.hosseini@gmail.com

۱- مقدمه

در ادبیات تاریخ متون ادیان و به ویژه تاریخ متون مقدس، به ویژه متون ادیان ابراهیمی، «تاریخ قرآن» شأن خاصی دارد که ناشی از جایگاه جهانی دین اسلام و جایگاه متنی قرآن است.^(۱) این جایگاه چنانچه به صورت مقایسه بینادینی منظور شود، عمدتاً به این خاطر است که بسی متفاوت از مطالعات دو متن دینی یهودی و مسیحی عهدین قدیم و جدید «تورات و انجیل»^(۲) از متن قرآن می‌توان به آنچه قدما «علوم اسلامی» می‌نامیدند^(۳) (معارف دینی، الهیات توحیدی، احکام فقهی، اخلاق اسلامی، اقتصاد و سیاست و حقوق اسلامی، عرفان دینی) نیز نایل شد. فراتر از این قرآن حتی منبعی کلاسیک و سنتی برای کشف و تدوین «تاریخ پیامبران الهی» (قصص الانبیاء) نیز بوده است.^(۴)

لذا هنگامی هم که از «مطالعات قرآنی» سخن به میان می‌آید، طبیعتاً ذهن مخاطب و فهم متعارف شنونده غیرمتخصص و حتی پژوهشگر آماتور این حوزه، ناخودآگاه به سمت همه مطالعاتی که درباره قرآن است، جهت داده می‌شود که در کلیت خود درست است،^(۵) اما به هنگام مواجهه متخصصان و مخاطبان حرفه‌ای با «مطالعات قرآنی»، آنچه در بدو امر به یک ذهن حرفه‌ای خطور می‌کند، این است که «مطالعات قرآنی» مطالعاتی هستند چنددانشی و چندرشته‌ای و چندتخصصی که هم شامل طیف گسترده‌ای می‌شود از «مطالعات سنتی» انجام‌شده توسط اندیشمندان مسلمان درباره قرآن (اغلب تاریخ قرآن و تفسیر قرآن)، مطالعاتی که پیشینه آن به درازای تاریخ یک ونیم هزاره‌ای تاریخ ظهور اسلام است^(۶) و هم دربرگیرنده «پژوهش‌های دینی مدرن» چندوجهی «در قرآن، از قرآن، درباره قرآن» است که طی دوران مدرنیته غربی توسط اسلام‌پژوهان غربی صورت گرفته است.^(۷)

البته در جهان اسلام شبه‌مدرن نیز اخیراً شاهد شکل‌گیری چنین مطالعات قرآنی مدرن هستیم، هر چند بهترین آن‌ها در بهترین متدلوژی به کار گرفته شده و در مقایسه با مطالعات قرآنی مدرن غربی‌ها، کم‌تر «انتقادی» و بیش‌تر «اعتقادی» اند.^(۸) این در حالی است که همچنان در سپهر سنتی‌مانده جهان اسلام - جغرافیای فرهنگی عربی و غیرعربی - شکل‌گیری مجموعه متون مطالعات قرآنی «اعتقادی - تجلیلی» (و نه «انتقادی - تحلیلی») مشهود است که هنوز هم با دیدگاه‌های متدلوژیک و تئوریک سنتی کار می‌کنند.^(۹)

با همه این‌ها مفروض اصلی ما این است که می‌توان از متن همه متون «مطالعات قرآنی» (اعم از سنتی و مدرن؛ غربی و اسلامی؛ تحلیلی - انتقادی و تجلیلی - اعتقادی) به فهمی نسبی از «پروبلماطیک» (مجموعه منتظم: ایده، مسأله، مفروض، پرسش، پاسخ، روش، تز، سنتز) مندرج در این متن‌ها با بهره بردن از تئوری - متد «هرمنوتیک دینی» فهم نمود که بخشی از پروژه سترک «هرمنوتیک» است.^(۱۰) اما منظر و منظور ما از هرمنوتیک دینی در این مقاله (وفق چهارچوب بانی هرمنوتیک دینی: فردریش شلایر ماخر و مروج آن هانس

گئورگ گادامر) چیزی نیست جز به کار گرفتن ریزه‌کاری‌ها و فوت‌وفن متد - تئوری هرمنوتیک در متن‌های دینی برای فهم مقصود و مقصد و مسأله و مضمون متن‌های دینی.^(۱۱) در این مقاله نیز این مهم ضمن رعایت شئون تئوریک و متدیک هرمنوتیک دینی به همین صورت، منتهی با مناسب‌سازی‌های معرفتی - عقیدتی که لازمه‌شان «هرمنوتیک مطالعات قرآنی» (کاربست هرمنوتیک دینی در مطالعات قرآنی) است، رعایت خواهد شد. لذا با گزینش چند نمونه معرف از «مطالعات قرآنی سنتی و مدرن غربی و اسلامی» بررسی شروع می‌شود.

از این روی تلاش پژوهش بر این است که داده‌هایی در تأیید ایده - مفروض «شالوده‌ای نویسنده ارائه دهد مبنی بر این که «پروبلماتیک»‌های مطالعات قرآنی در ورژن «سنتی و تجلیلی اعتقادی» آن (مطالعات قرآنی که به ویژه فرآورده اندیشمندان مسلمان است)، «پنهان و بی‌نظم و صورت‌بندی نشده» است، ولی در ورژن «مدرن و تحلیلی انتقادی» آن (مطالعات قرآنی که به ویژه فرآورده اندیشمندان غربی است و بعضاً برخی از اندیشمندان مسلمان نوگرا و مدرن) «آشکار و منظم و صورت‌بندی شده» است.

به این معنا وفق یکی از منطق‌های متعارف در فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن^(۱۲)، فهم هرمنوتیکی دینی «مطالعات قرآنی سنتی» (عمدتاً رایج در جهان اسلام سنتی مانده) نیازمند «بازسازی منطق» این مطالعات است، اما در مورد همتای رقیب آن یعنی «مطالعات قرآنی مدرن» (اغلب رایج در جهان غرب و اندکی در جهان اسلام مدرن‌شده)، پژوهش‌ها محتاج «بازیابی منطق» این مطالعات هستند، اما «پرسش راهنما» که مرتبط با این مفروض - ایده تحقیق است بر این قرار است: «چرا و چگونه دو نوع پروبلماتیک اصلی «سنتی و مدرن» در متن مطالعات قرآنی بروز یافته‌اند؟»

پاسخ‌هایی که برای این پرسش تدارک دیده شده در دو بخش سامان داده خواهد شد. در بخش اول نمونه‌هایی معرف از «مطالعات قرآنی سنتی و مدرن» معرفی می‌شود و سپس در بخش دوم چند نمونه معرف از «پروبلماتیک»‌های وارسی‌شده در این نوع مطالعات قرآنی سنتی و مدرن نشان داده خواهد شد. پیش از این‌ها البته لازم است «گشتالت» (کلیت متنی) مطالعات قرآنی سنتی و مدرن که این نمونه‌های معرف از متن آن‌ها گزینش و وارسی شده‌اند، توصیف شوند.

۲- گشتالت مطالعات قرآنی سنتی و مدرن

برای معرفی کلیت متنی یا گشتالت مطالعات قرآنی موجود - دست کم آن دسته مطالعاتی که مطرح‌اند و در دسترس مخاطبان‌اند - می‌توان به یک سنخ‌شناسی (تیپولوژی) نسبتاً استاندارد و چند معیاری متوسل شد. به نظر نویسنده و به صورتی خلاصه‌شده این سنخ‌شناسی به این صورت است:

بر مبنای معیار «رهیافت» در مطالعات قرآنی؛ بر این مبنا می‌توان از دو سنخ مهم یاد کرد: مطالعات قرآنی «سنتی و مدرن». رهیافت مطالعات قرآنی سنتی وفاداری به «علوم اسلامی» و معارف دینی است، اما رهیافت مطالعات قرآنی مدرن پای‌بندی به «علوم انسانی» و فلسفه است. بر مبنای معیار «زبان پایه» در مطالعات قرآنی؛ بر این مبنا نیز می‌توان از دو سنخ تبعی دیگر نام برد: مطالعات قرآنی که متکی به «زبان تجلیلی - اعتقادی» اند و مطالعات قرآنی که از «زبان تحلیلی - انتقادی» استفاده می‌کنند.

بر مبنای معیار «فرهنگ دانش پژوهان» مطالعات قرآنی؛ بر این مبنا نیز دو سنخ از مطالعات قرآنی قابل تشخیص‌اند: مطالعات قرآنی که فرآورده «دانش پژوهان غربی» است و مطالعات قرآنی که محصول «دانش پژوهان مسلمان» است.

روی هم باید بتوان به جریان غالب - قالب در مطالعات قرآنی موجود رسید تا بتوان فهمی هرمنوتیکی از «پروبلماتیک گشتالت مطالعات قرآنی» داشت. به این منظور جدول زیر این مقصود را فراهم کرده است.

جدول ۱: سنخ‌شناسی مطالعات قرآنی موجود، مطرح و در دسترس مخاطبان				
رهیافت	دانش پایه	زبان معیار	فرهنگ دانش پژوهان	جریان غالب - قالب
سنتی	علوم اسلامی و معارف مذهبی	تجلیلی-اعتقادی	دانش پژوهان مسلمان	مطالعات اسلامی سنتی
مدرن	علوم انسانی و فلسفه	تحلیلی-انتقادی	دانش پژوهان غربی	مطالعات اسلامی و دینی مدرن
نوستنی و نوگرا	علوم اسلامی سنتی و علوم انسانی مدرن	تلفیقی و منعطف	دانش پژوهان مسلمان	مطالعات اسلامی نوستنی و نوگرا

با توجه به این جدول پایه اکنون می‌توان با شناسایی متون مطالعات قرآنی، که زیرمجموعه یکی از این سه «رهیافت» غالب - قالب هستند (رهیافت‌های: سنتی، مدرن، نوستنی و نوگرا) به واری «پروبلماتیک» مندرج در نمونه‌های این نوع از «مطالعات قرآنی» پرداخت.

۳- نمونه‌های معرف از مطالعات قرآنی سنتی و مدرن

همان‌گونه که گفته شد برای واری پروبلماتیک در مطالعات قرآنی سنتی و مدرن، ارجاع به نمونه‌های معرف از این نوع مطالعات ضروری است. لذا در این بخش از مقاله این نمونه‌ها معرفی و مرور خواهند شد.

۳-۱- مطالعات قرآنی سنتی

در میان این مطالعات سه نمونه متن برای موضوع حاضر در اولویت‌اند: *اقتباس از قرآن کریم* (ثعالبی [سده ۴ق/ ۱۰م]، ۱۳۸۶)؛ *جواهر القرآن* (غزالی [سده ۵ق/ ۱۱م]، ۱۳۹۴)؛ و *اعجاز بیانی قرآن* (بنت‌الشاطی [سده ۴ق/ ۲۰م]، ۱۳۹۱).^(۱۳)

۳-۱-۱- اقتباس از قرآن کریم اثر ثعالبی از چند حیث برای واریسی قابل توجه است. اول از این جهت *اقتباس از قرآن کریم* یک نمونه معرف برای مطالعات قرآنی سنتی است که به باور ثعالبی قرآن کریم به لحاظ داشتن اسلوب‌های ادبی معنوی اخلاقی فرهنگی می‌تواند درون مایه‌های موضوعات و مسایل مطالعات دانش‌پژوهان مسلمان قرآن‌پژوه را فراهم کند. دوم اینکه با استفاده از قرآن کریم و آوردن آیات آن، مسلمان قرآن‌پژوه می‌تواند ایده‌های دینی معنوی خود را پر بار کند. (ثعالبی، ۱۳۸۶: ۲۰)

از این لحاظ *اقتباس از قرآن کریم* ثعالبی، نمونه یک کار جاافتاده در ادبیات مطالعات قرآنی سنتی است. چون این نوع مطالعه هم می‌تواند برای شکل گرفتن مطالعه از قرآن و آیات معنوی اخلاقی عرفانی آن «مسألهمضمون» برای مطالعه استنباط و اخذ نماید و هم اینکه می‌تواند برای موضوعات مورد مطالعه و به ویژه برای «ایده مؤلف» از آیات قرآن شاهد مثال بیاورد. ثعالبی در کار خود چنین تجربه زیسته معرفتی - عقیدتی را نشان داده است و لذا ارزش دارد که به کار او به عنوان یک نمونه معرف از «مطالعات قرآنی سنتی» توجه شود.

نگاهی به محورهای بحث در کتاب ثعالبی به خوبی این ادعا را که *اقتباس از قرآن کریم* هم در «مضمون‌یابی» برای پیش‌برد مطالعه و هم در «ایده‌پروری» برای شکل دادن به یک مطالعه قرآنی سنتی کاملاً به متن قرآن وابسته و مقید است تأیید و تقویت می‌کند. برای نمونه کافی است به محورهای بحث در بیست و پنج باب کتاب ثعالبی که حاوی این مضمون‌ها هستند اشاره و توجه شود:

«درباره خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیامبران (ع)، اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، صحابه رسول، عالمان مسلمان، علم، عقل و حکمت و خردورزی، خانواده، رؤیا، شاعران و شعر، ادب و هنر، فنون زندگی» (همان: ۲۲)

۳-۱-۲- جواهر القرآن

جواهر القرآن امام محمد غزالی (سده ۵ق/ ۱۱م) نمونه کلاسیک دیگری از مطالعات قرآنی سنتی است که در نوع خود به لحاظ خط فکری و عقیدتی ممتاز و متمایز و نسبتاً منحصر به فرد امام محمد غزالی در جهان اسلام عصر سنت کم‌نظیر است. این اثر قرآن‌پژوهانه با دیدگاه‌های الهیاتی، کلامی، فقهی و عرفانی غزالی - که همچنان محل مناقشه فکری عقیدتی مخالفان اوست - صورت‌بندی شده است.

غزالی در این اثر دو جاپای مهم از خود به یادگار گذاشته است: او هم ایده‌های دین‌پژوهانه‌اش را از قرآن تأییدیه گرفته است و هم در عوض رهنمودهایی از قرآن برای دانش‌شناسی اسلامی اخذ نموده است. بنابراین *جواهر القرآن* هم متنی است در قرآن پژوهی کلاسیک و سنتی و هم متنی است در «فلسفه مطالعات قرآنی» به معنایی نسبتاً شبیه به آنچه امروزه از «فلسفه علم» و «فلسفه علوم انسانی» مراد می‌کنیم؛ یعنی فهم انتقادی راهبردی هنجاری ماهیت و چیستی علم بر مینا و از منظری فلسفی.^(۱۴) به این معنا غزالی در *جواهر القرآن* رهنمود می‌دهد چگونه می‌توان از قرآن برای شناخت انواع دانش‌های اسلامی، «دانش‌های مغز و قشر» رسید. (غزالی، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۵) او همچنین بیان می‌کند که برای فهم دقیق و درست قرآن باید از ظاهرنگری و توسل به مشرب‌های فکری فقهی کلامی و فلسفی پرهیز نمود و فقط قرآن را ملاک فهم قرار داد.^(۱۵) او همچنین در تقسیم‌بندی آیات قرآن به «آیات جواهر و درر» استناد می‌کند. (همان: ۱۵) در این دو وجه، *جواهر القرآن* غزالی می‌تواند متنی آموزشی و مبنایی برای «مطالعات قرآنی سنتی» که علاقه‌مند قرآن‌پژوهی به سبک و سیاق غزالی و خواهان هستند، تلقی شود.

۳-۱-۳- اعجاز بیانی قرآن

متن دیگری که برای «مطالعات قرآنی سنتی» می‌تواند نمونه‌ای معرف محسوب شود، دست‌کم از حیث معاییر مرتبط با مسأله‌مضمون این مقاله، کتاب *بنت الشاطی* با عنوان گفته شده در بالا است. یک حسن ممیزه این متن به نسبت دو متن قبلی، معاصریت این متن است چون در سده ۲۰م نگاشته شده است؛ یعنی در زمینه تاریخی و زمانه اجتماعی که فرهنگ مدرنیته غربی بر جهان اسلام و به تبع جهان دانش‌پژوهی و تبعاً «مطالعات اسلامی و قرآنی» سایه افکنده است. بنابراین *اعجاز بیانی قرآن بنت الشاطی* از حیث وفاداری به سبک و سیاق مطالعات اسلامی و قرآنی سنتی می‌تواند نمونه معرف مناسبی برای شناخت «پروبلماتیک مطالعات قرآنی سنتی معاصر» باشد. *بنت الشاطی* در این باره خود می‌گوید:

«... اکنون ما از همان نقطه‌ای آغاز می‌کنیم که گذشتگان ما کار را در آنجا به پایان رساندند و میراثی را که از آنان بر جای مانده است، نشانه‌هایی بر راه خود می‌دانیم و نه از ارزش آن‌ها می‌کاهیم و نه منزلت صاحبان آن‌ها را پایین می‌آوریم.» (*بنت الشاطی*، ۱۳۹۱: ۲۰)

از این منظر *اعجاز بیانی قرآن بنت الشاطی* را باید ادامه منطقی مطالعات قرآنی سنتی در جهان اسلام از سده ۲ق/۸م تاکنون دانست. منظور مطالعات قرآنی است که با نام‌های معروف و آثار ماندگار سده ۳ق/۹م مانند: *سجستانی (نظم القرآن)*، *زمخشری (الکشاف)*، *سیوطی (الاتقان فی علوم القرآن)*، *جاحظ (نظم القرآن)*، واسطی (*اعجاز القرآن و نظمه و تألیفه*)، باقلانی (*اعجاز القرآن*)، خطابی (*ثلاث الرسائل فی اعجاز القرآن*)، رمانی (*النکت فی اعجاز القرآن*) گره خورده است. همچنین نام‌ها و آثاری ماندگار مانند جرجانی در سده

عق/ ۱۰م (دلایل الاعجاز- الرساله الشافعیه فی اعجاز القرآن)، فخر رازی در سده ۶ ق/ ۱۲م (نهایه الایجاز فی دراعه الاعجاز)، ابی اسبح مصری در سده ۷ ق/ ۱۳م (بدیع القرآن) نیز به آن پیوند خورده است.

بنت الشاطی با مرور مختصر این آثار کلاسیک در «مطالعات قرآنی سنتی متقدم» تلاش می کند تا هم وفاداری متنی اش را به متقدمان قرآن پژوهی (اهل سنت) نشان دهد و هم اینکه وجه متمایز و ممتاز اثر خود (اعجاز بیانی قرآن) را تثبیت کند (همان: ۵-۲۱) اما کلیت اثر بنت الشاطی با این مضامین قرآن پژوهانه سنتی مرتبط است: «ماهیت اعجاز قرآن، مصادیق اعجاز قرآن، بلاغت ادبی قرآن، عربیت قرآنی، زبان عربی، اسلوب قرآنی».

۳-۲- مطالعات قرآنی مدرن

این مطالعات را با توجه به تنوع متنی - معرفتی مندرج در آن‌ها، می توان دست کم در سه سنخ شناسایی و واریسی نمود: مطالعات قرآنی که نگاه مدرنی به واریسی «تفاسیر قرآنی» دارند؛ مطالعات قرآنی که نگاه مدرنی به واریسی «تاریخ قرآن» دارند؛ مطالعات قرآنی که نگاه مدرنی به واریسی «مضامین قرآنی» دارند.

با لحاظ اینکه برای فهم دقیق تر، عمیق تر و جامع تر «پروبلماطیک‌های مطالعات قرآنی مدرن» تا حد امکان نیازمند واریسی تنوعات و واریانس‌های متنی معرفتی هستیم؛ لذا در این بخش از مقاله به صورتی فشرده به چند نمونه از این سنخ مطالعات قرآنی مدرن نگاهی خواهیم داشت و معرفی و توصیف مختصری از گشتالت این مطالعات سنخ‌بندی شده ارائه خواهیم داد.

۳-۲-۱- نمونه مطالعات قرآنی حاوی نگاه مدرن به واریسی تفاسیر قرآنی

در این سنخ از مطالعات چند نمونه فارسی شده ارزنده برای واریسی در دسترس است: «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان» از ایگناتس گلدزیهر (۱۳۹۳)؛ «تفاسیر صوفیانه از قرآن در سده‌های چهارم تا نهم» از کریستین زهرا سندز (۱۳۹۵)؛ و «رویکردهایی به تفسیر قرآن» ویراسته اندرو ریپین (۱۳۹۴).

۳-۲-۱-۱- گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان

اثر معروف و مبنایی گلدزیهر (۱۹۲۲ م)، که نزد برخی‌ها، مطالعات او مبنای اسلام پژوهی مدرن محسوب می شود، اثری ارزنده و البته مناقشه‌انگیز و جنجالی در جهان مطالعات قرآنی مدرن است؛ خصوصاً در بین دانش پژوهان جهان اسلام و به ویژه قرآن پژوهان سنتی جهان اسلام. (گلدزیهر ۱۳۹۳، مقدمه: ۷-۲۰؛ پیش‌گفتار مترجم فارسی: ۲۱-۲۳؛ مقدمه مترجم عربی: ۲۵-۲۷)

در این کتاب گلدزیهر شش گرایش تفسیری قرآن در طی تاریخ اسلام از عصر سنت تا زمانه معاصر خود (سده ۱۹م) را تشخیص داده و آن‌ها را با دیدگاه انتقادی خاص خود که محل مناقشه است، روایت نموده است. این شش گرایش تفسیری قرآن عبارت‌اند از: «تفسیر اولیه، تفسیر روایی، تفسیر ایدئولوژیکی، تفسیر صوفیانه، تفسیر تمدنی» (همان، فهرست: ۵) اما اصل موضوعه مناقشه‌ای که گلدزیهر در مطالعات قرآنی خود و از جمله این اثر به کار گرفته است، مبتنی بر هرمنوتیک خاصی از هرمنوتیک‌های دینی است. او در این باره می‌گوید: «آنچه پیتر ورنفلس دانشمند علم الهیات و از پیروان کلیسای جدید درباره کتاب مقدس می‌گوید، درباره قرآن نیز صادق است. چون هر انسانی عقاید خود را در کتاب مقدس می‌یابد؛ خصوصاً آن جایی که در پی عقاید خاص و ویژه است» (همان: ۲۹) گلدزیهر در ادامه می‌آورد:

«...هر اندیشه‌ای در دین اسلام و قرآن برای خود جایگاهی قائل است و برای حفظ آن می‌کوشد. از این رو با روش تفسیری، روش جدیدی برای تفسیر قرآن به وجود آمده است که تفسیر سطحی از آن را به چالش می‌خواند.» (همان)

با این وصف مثنوی تئوریک و متدیک گلدزیهر در مطالعات قرآنی از جمله متن مورد واریسی ما این است که با رویکردی انتقادی و البته مناقشه‌انگیز به سراغ تفاسیر قرآنی سنتی و معاصر برود و آن‌ها را با توسل به اصل موضوعه خود که در بالا وصف شد، تطبیق دهد. لذا او به صراحت می‌نویسد:

«...در میان کتاب‌های دینی که گروه‌های مختلف دینی معتقدند نصی و حیانی و نازل شده از جانب خداوند است، هیچ کتابی همچون قرآن از نخستین دوران رواج آن دچار پریشانی و عدم ثبات از لحاظ نص و متن وجود نداشته است.» (همان)

بر این مبنا گلدزیهر به سراغ واریسی انتقادی مناقشه‌ای مورد نظر خود از تفاسیر مهم و مطرح در جهان اسلام می‌رود و تفاسیر قرآنی کلاسیک «ابن عباس، ابن مسعود، طبری، سیوطی، بیضاوی، زمخشری و فخر رازی» (همان، بخش‌های ۱-۶: ۳۱-۲۹۰)؛ و نیز تفاسیر قرآنی نوگرا و معاصر شامل تفاسیر «سید امیر علی هندی، سر سید احمد خان بهار هندی، سید جمال‌الدین افغانی، شیخ محمد عبده و رشید رضا» (همان، بخش ۶: ۲۹۱-۳۳۸) را نیز روایت می‌کند.

۳-۲-۱-۲- تفاسیر صوفیانه از قرآن در سده‌های چهارم تا نهم

اثر سنندز، که متفاوت از کار موصوف گلدزیهر و حتی متضاد و مخالف با آن پیش رفته است (سنندز ۱۳۹۵، مقدمه: ۱۵-۱۷)، مطالعه‌ای است همدلانه با گرایش‌های تفسیری عارفانه و صوفیانه از قرآن. سنندز در این کتاب در پی شناسایی و توصیف نحوه مواجهه ظریف،

لطیف و عاشقانه از جنس معرفتی عقیدتی طریقتی جماعت صوفیان بزرگ جهان اسلام با متن مقدس قرآن است.

اصل موضوعه سندز در این مطالعه این است که نشان دهد چگونه عارفان و صوفیان مسلمان هم از قرآن الهام نظری و عملی گرفته‌اند و هم اینکه چگونه قرآن را بر حسب مشرب عرفانی‌شان نسبت به خداوند و رابطه او با جهان و انسان تعبیر و تأویل عرفانی نموده‌اند.

از این حیث کلیت مطالعه سندز در این اثر هم مشتمل است بر معرفی تفاسیر عارفان بزرگ مسلمان، مشتمل بر تفاسیر: «تستری، سلمی، قشیری، غزالی، میبیدی، بقلی و کاشانی» و هم اینکه شامل واریسی موردی مواجهه تفسیری آنان با چند روایت قرآنی است؛ مشتمل بر روایت «زندگی مریم (ع)، داستان موسی (ع) و خضر (ع)، آیه نور» (همان، پیش گفتار مترجم: ۱۱-۱۳)

۳-۲-۱-۳- رویکردهایی به تفسیر قرآن

این اثر ویراسته اندرو ریپین قرآن‌پژوه اروپایی حاوی ۱۱ عنوان مقاله از قرآن‌پژوهان عربی، غربی - عبری است (ریپین ۱۳۹۴، معرفی نویسندگان: ۲۵-۲۹) و با وجود اظهار علاقه فکری ریپین به مشی تئوریک گلدزیهر در مطالعات قرآنی او، اما به صراحت بر آن است که «مطالعات قرآنی مدرن پساگلدزیهری» باید فراتر از مطالعات گلدزیهر باشند و لذا او کار خود و این اثر را نه «ادامه منطقی» مطالعات قرآنی گلدزیهر که «تکمیل معرفتی» آن می‌داند. (همان، مقدمه: ۳۳)

بر این مبنا اثر ویراسته ریپین حاوی مقاله‌هایی است که روایت‌های مختلفی از «شکل‌گیری و تحولات تفسیر قرآن» (بخش اول: ۴۵-۱۷۱)؛ «گونه‌های تفسیر» (بخش دوم: ۱۷۲-۲۴۶)؛ «ماهیت فرقه‌ها و تفسیرها» (بخش سوم: ۲۴۷-۳۰۰)؛ و گرایش‌های نو در تفسیر (بخش چهارم: ۳۰۱-۳۲۰) را عرضه کرده‌اند. روی هم رفته کار ریپین و همکاران او را می‌توان کاوشی در زوایای مختلف تفسیر قرآن با هدف کشف ظرفیت‌های مطالعات قرآنی برای پژوهش‌های آکادمیک در مورد قرآن دانست. (همان، پیش گفتار ویراستار ترجمه فارسی: ۲۱)

۳-۲-۲- نمونه مطالعات قرآنی حاوی نگاه مدرن به واریسی «تاریخ قرآن»

یکی از پروژه‌های بسیار تکنیکال و فنی و سخت و پیچیده در قرآن‌پژوهی‌ها، مطالعات تاریخی درباره گشتالت تاریخی قرآن (شامل: کلیت تاریخ و زمان نزول آیات؛ نحوه کار کاتبان و نحوه کتابت آیات نازل‌شده در زمان پیامبر؛ ترتیب‌بندی زمانی محتوایی درج سور در مصحف شریف و نحوه چینش و درج آیات در سور؛ نحوه زمانی محتوایی تدوین، جمع‌بندی، تصحیف، تجلید قرآن نسخه عثمانی مرجع) است. همچنین مطالعات تاریخی پیشرفته‌تر درباره مصحف‌های قرآنی کهن و اولیه که ماده اصلی نسخه‌های کنونی قرآن در

دسترس مخاطبان است، نیز بسی فراتر از این‌ها رفته است؛ به طوری که به گونه‌ای تکنیکال و مهندسی شده به سمت سنجش تجربی مواد محتوایی زبانی فیزیکی «مصحف‌های قرآنی کهن» (سده ۷م/۱م) از طریق فنون نسخه‌شناسی، کتیبه‌شناسی، خط‌شناسی، واژه‌شناسی، کاغذشناسی، پوست‌شناسی و مانند آن گام گذاشته است.

از این لحاظ اثر ارزنده فرانسوا دروش (۱۳۹۵) با عنوان *قرآن‌های عصر اموی: مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف را باید مطالعه و پژوهشی کم‌نظیر در این عرصه از مطالعات تاریخی قرآن دانست*. این اثر، که به نظر ما می‌توان آن را پژوهشی مبنایی و معیار در عرصه پژوهشی «باستان‌شناسی قرآن» دانست، بر آن است تا با تمام توصیفات گفته‌شده در بالا، شناختی دقیق و عمیق و مستند از ماهیت تاریخ قرآن به دست دهد. اثر دروش را می‌توان ادامه منطقی و تاریخی پژوهش قرآنی معیار تئودور نولدکه (*تاریخ قرآن*، ۱۸۶۰) و شاگردان برجسته قرآن‌پژوه تاریخی او گوتهلر برگسترسر، اتو پریستل و فردریش والی (*تاریخ قرآن*، ۱۹۳۸/۱۹۰۹) دانست. (دروش ۱۳۹۵؛ مقدمه: ۱۳-۱۴) روی هم رفته دروش در این اثر:

«... به بررسی جوانب مختلف تاریخ‌گذاری، مصحف‌شناسی، نگارش، رسم‌الخط، تنوع کاتبان، علائم وقف و ابتداء، بسمله، قرائات مختلف، تذهیب، سر سوره‌ها و سایر ویژگی‌های کهن‌ترین مصاحف قرآنی موجود می‌پردازد ... وی می‌کوشد با مطالعه کهن‌ترین مصاحف موجود شامل مصحف‌های پاریس و پترزبورگ، صنعای یمن، اموی دمشق، اموی فسطاط، اموی صنعای یمن، نسخه‌های قیروان تونس و استانبول و قاهره تاریخ‌گذاری روشنی از تمام تغییرات و تحولات صورت گرفته روی این متون ارائه دهد ... و در این راه ترکیبی از فنون مختلف از جمله خط‌شناسی یا پالیوگرافی، تاریخ هنر، نسخه‌شناسی، کتیبه‌شناسی و رسم‌الخط قرآنی را به کار می‌گیرد...» (همان، یادداشت مترجمان: ۸۴)

همه این موارد البته، آن‌گونه که دروش اشاره نموده است، با حمایت سنجش‌های فنی مهندسی از نوع «آزمایش کربن ۱۴» (برای تعیین زمان دقیق و قدمت نسخه‌های قرآنی کهن) و «کالیبراسیون یا واسنجی» (برای تعیین میزان دقت ابزارهای به کاررفته در آزمایش کربن ۱۴ و مقادیر خوانده‌شده ناشی از آن) همراه است که قطعاً منجر به تقویت یافته‌های «مطالعات تاریخی و باستان‌شناختی قرآن» خواهد بود. (همان، مقدمه: ۱۱-۳۵؛ تکمله و اصلاح مؤلف برای ترجمه فارسی: ۳۳، پانویس)

باری آنچه محل پرسش است ماحصل کاربرد این نوع مطالعات تاریخی - باستان‌شناختی قرآنی برای «مطالعات قرآنی مدرن» است. در این زمینه از مطالب و اشارات پراکنده دروش در مقدمه کتاب می‌توان اهمیت و کاربرد این نوع مطالعات قرآنی را استنباط و به این صورت بیان نمود: «مطالعات تاریخی باستان‌شناختی قرآنی برای واژه‌شناسی، تعیین قدمت آیات و سوره، نحوه عمل کاتبان وحی، شناخت قرائت‌های مختلف قرآنی، نحوه تفاوت خط‌های کتابت مکی و مدنی و کوفی و بصری و حجازی قرآن و شناخت مأخذ اختلاف ضبط برخی

واژه‌های قرآنی مهم و اساسی‌اند.» (همان: ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱)

و نهایتاً، همان‌گونه که خود دروش به صراحت نوشته است:

«... اساساً وقتی در صدد بازسازی تاریخ نقل و کتابت قرآن در دوران اموی هستیم، باید اطلاعاتمان را از خود نسخه‌های مخطوط (مصاحف کهن قرآنی موجود) به دست آوریم ... (لذا) دو دانش خط‌شناسی و مصحف‌شناسی در بررسی نسخه‌های کهن قرآنی اهمیت زیادی دارند و به ما در شناخت موضوع جنس ماده کتابت (قرآن) کمک می‌کنند.» (همان، مقدمه: ۲۰-۲۱)

و اما با همه این دقت نظرها، وفق مباحثی که خود دروش نیز دارد، همچنان برخی از قرآن‌پژوهان ذوفن (شامل هارلد موتسکی، استلا ولان، شیلابلر، آدلف گرومان، آلنا جرج، مریلین جنکینس، کاسپارفن بتمر) درباره دستاوردهای «باستان‌شناسی و تاریخ قرآن» به سبک و سیاق گفته‌شده شک و تردیدهای مناقشه‌انگیزی دارند که همچنان محل بحث در بین قرآن‌پژوهان موافق و مخالف با این نوع استدلال‌ات منازعه‌ای است. (همان، مقدمه: ۱۸، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۸)

۳-۲-۳- نمونه مطالعات قرآنی حاوی نگاه مدرن به واری «مضامین قرآنی»

در این سنخ از مطالعات قرآنی، می‌توان به «رہیافت‌هایی به قرآن» (۱۳۸۹) اشاره نمود که ویراسته‌شده توسط جرالد هاوتینگ و عبدالقادر شریف است. این اثر که نمونه‌ای است از مجموعه مقالات چنددانشی و چنددانش‌پژوهانه ماهیتاً از جهت‌گیری انتقادی برخوردار است. نویسندگان این مقالات که عمدتاً چندفرهنگی آیینی یعنی عربی، غربی، یهودی، مسیحی و مسلمان‌اند (هاوتینگ و شریف ۱۳۸۹، فهرست نویسندگان) هدفشان را واری انتقادی مواجهه دانش‌پژوهان مسلمان با قرآن، روش‌های تفسیر قرآن و نتایج ناشی از کاربرد این روش‌های تفسیری اعلام نموده‌اند. (همان، پیش‌گفتار: ۱۹-۲۲)

کلیت این اثر در سه بخش و سیزده مقاله سامان داده شده است. بخش اول (همان: ۱۶۲-۲۷) که حاوی سه مقاله با موضوع «سبک و معانی قرآن کریم» است به مضامینی خاص در قرآن، از قرآن پرداخته است: «تصویر و استعاره در قرآن؛ نمایش داستان یوسف نبی (ع)؛ بافتار و مناسبات درونی تفسیر قرآن». بخش دوم نیز حاوی شش مقاله است (همان: ۱۶۳-۳۶۶) و موضوع محوری آن «تحلیل روش‌های تفسیری قرآن» در سده‌های میانه و جدید است. محورهای بحث مقالات این بخش نیز عبارت است از: «تعامل تفسیر و حدیث در تفسیر آیات؛ چالش‌های داستان ابراهیم (ع) در تفسیر طبری از قرآن؛ مفهوم فتنه در قرآن از نگاه طبری؛ رهیافت‌های تفسیری شیعیان اخباری؛ تحولات تفسیر قرآن در سده بیست میلادی.» بخش سوم نیز (همان: ۳۶۷-۴۵۸) حاوی مقالاتی درباره مضمون‌های خاص قرآن‌پژوهی است، از جمله: «تفسیر کتاب مقدس در پرتو قرآن؛ استنادات قرآن در

باره تاریخ صدر اسلام؛ فقه و تفسیر احکام قرآنی؛ تأثیر قرآن بر نثرنویسی‌ها» (همان، پیش گفتار ویراستاران انگلیسی).

روی هم رفته با همه دقت نظرهای رایج در کتاب مورد بررسی، آن‌گونه که ویراستار ترجمه فارسی این اثر نوشته است، برخی مقالات دارای دیدگاه‌هایی نامتعارف درباره قرآن هستند که مخدوش‌کننده روح قدسی این متن مقدس است. (همان، پیش گفتار ترجمه فارسی: ۱۳) از جمله مواردی که این شائبه را ایجاد می‌کند، این مسأله است که برخی مؤلفان مقالات این اثر به تأثیر کاهنان عصر جاهلیت بر روح آیات قرآن اشاره کرده‌اند. وفق نظر ویراستار ترجمه فارسی یا این دیدگاه‌ها به صورت طرح نظرات دیگران در مقالات آمده است تا نقادی شوند یا اینکه در اصل این اشکال به دیدگاه خود مؤلف مقالات برمی‌گردد که طرح مسأله کرده‌اند.

به نظر ما، فارغ از اینکه کدام شق مسأله وارد باشد، اصل بروز این نوع طرح مسأله در «مطالعات قرآنی مدرن»- همان‌طور که در طول این مقاله نیز استدلال نمودیم- از بیخ و بن به ماهیت تأثیر «روح شکاک و نقاد مدرنیته غربی» در تکوین الهیات و فلسفه و علوم انسانی مدرن (پسارنسانسی و پساروشنگری) برمی‌گردد که دامن دانش پژوهی در مطالعات قرآنی مدرن را نیز گرفته است و واضح است در فرایند مواجهه با این دست مطالعات قرآنی مدرن باید با استدلال عقلانی منطقی مستند و منصفانه به مصاف پاسخ‌گویی به این نوع مسأله‌سازی‌های دانش‌پژوهانه در قرآن پژوهی‌های غربی رفت.

۳-۲-۴- نمونه مطالعات قرآنی تلفیقی حاوی نگاه مدرن به واریسی «تفسیر و تاریخ و مضامین و زبان قرآنی»

در این گروه از مطالعات قرآنی مدرن و به ویژه در ادبیات فارسی‌شده مطالعات قرآنی مزبور که مورد واریسی ما هستند، بدون اغراق باید گفت که کتاب ترجمه‌شده به فارسی با عنوان «مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان: زبان قرآن، تفسیر قرآن» (کریمی نیا، ۱۳۹۲) به لحاظ تجمیع مقالات ارزنده و مهم از قرآن‌پژوهان مطرح (جان ونزبرو، اندرو ریپین، اری روبین، هربرت برگ، هارولد موتسکی، فرانسوا دوبلوا، جیمز بلامی، ویلیام گراهام) سهم بسزایی در شناخت «مطالعات قرآنی تلفیقی مدرن» (تلفیق مطالعه تاریخ و تفسیر و زبان و مضامین قرآن) و نیز شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر گشتالت متن مقدس (قرآن) دارد. مترجم این مجموعه مقالات (که خود نیز از زمره قرآن‌پژوهان پرتلاش و ذوفن این عرصه است)^(۱۶) ۱ شازده عنوان مقاله پربار این مجموعه را در سه بخش مرتب نموده است: در بخش اول با عنوان «مقالات تفسیری» (صص ۱۱-۱۸۶) مقالات مرتبط با مسایل تفسیر قرآن آمده است؛ در بخش دوم نیز با عنوان: «مطالعات قرآنی جان ونزبرو» (صص ۱۸۷-۳۰۲) مقالات مربوط

به ارزیابی و نقد کتاب برجسته «مطالعات قرآنی جان ونزبرو» آمده است. نهایتاً در بخش سوم هم با عنوان «زبان قرآن» (صص ۳۰۳-۴۰۴) مناقشات و چالش‌های زبان‌شناختی قرآن بحث شده و مسأله مهم و منازعه‌ای تأثیر زبان‌های غیرعربی (به اصطلاح مطالعات قرآنی آن: زبان‌های بیگانه) بر زبان قرآن و ارسی نقادانه شده است.

البته فهم این مقالات پر پیچ و خم از حیث معرفت‌شناختی برای مخاطب مبتدی مطالعات قرآنی چندان راحت نیست؛ چون نیازمند اطلاعات پایه‌ای زیادی است که باید پیش‌تر از طریق خواندن متون مبنایی تر تأمین شود (از جمله متونی که در این مقاله پیش‌تر معرفی و توصیف شدند) که در مقالات فشرده این مجموعه هم نیامده است. با این وجود همان‌طور که مترجم فاضل فارسی این مجموعه مقالات آورده است، مقالات کتاب می‌تواند «روزنه‌ای برای طرح برخی مسایل مهم قرآن‌پژوهی غربیان معاصر در میان محققان مطالعات قرآنی و تفسیری ما بگشاید و به فضای علمی محافل آکادمیک ما در حوزه و دانشگاه رونق بیش‌تر بخشد» (همان، مقدمه: ۷)

۳-۳- مطالعات قرآنی نوشتنی و نوگرا

این سنخ از مطالعات قرآنی، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته آمد، متعلق به فرهنگ دانش‌پژوهی قرآن کریم در جهان اسلام دوران معاصر و مدرن است. این‌ها مطالعاتی است «در قرآن و درباره قرآن و از قرآن» منتهی متکی به میراث علوم اسلامی سنتی - از حیث تئوریک و مبتنی بر کاربست روش‌شناسی‌های فلسفه و علوم انسانی مدرن - از حیث متدیک.

برای این مقاله با توجه به مسأله آن و نیز حجم و مقتضیات مقاله سه نمونه معرف از این سنخ «مطالعات قرآنی نوشتنی و نوگرا» کفایت می‌کند.

۳-۳-۱- مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی

مجموعه مقالات مستنصر میر و عبدالحسین الرئوف با عنوان «مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی: رویکردهای زبانی - سبک‌شناختی» (۱۳۹۰) که با استفاده از رویکردهای زبان‌شناختی و مطالعه ادبی انجام شده است، از توجیهی که از جنس نقد ادبی است، برخوردار است. در این‌باره میر در مقاله «قرآن به منزله اثری ادبی» آورده است:

«...ریچارد مولتن مؤلف کتاب مطالعه ادبی کتاب مقدس، نشر کتابش را این‌گونه توجیه کرده بود که کتاب مقدس بر خلاف آثار ادبی جهان تافته‌ای جدا بافته از تار و پودهای حماسه و غنا و نمایش است و لذا شایسته بررسی است ... بنابراین کتاب مقدس قرآن نیز شاهکاری است ادبی و شناخته‌شده در جهان ...» (میر و عبدالرئوف ۱۳۹۰: ۲۳)

از این رو این دو دانش‌پژوه مسلمان (پاکستانی و عراقی مقیم غرب) با توجه به تخصص دانشگاهی‌شان در عرصه زبان‌شناسی و مطالعه و نقد ادبی به سراغ «قرآن به عنوان یک اثر

ادبی» رفته‌اند و با این دید قرآن‌پژوهی نموده‌اند. برای شناخت محتوا و ماهیت این نوع «مطالعه قرآنی نوشتنی و نوگرا» کفایت می‌کند صرفاً اشاره‌ای به مسایل و مضمون‌های مورد بحث آن‌ها شود.

این‌ها مضمون‌هایی هستند که در این مطالعه به بحث گذاشته شده‌اند: «فربگی زبان عربی قرآن، فصاحت زبان عربی قرآنی، جنبه‌های شنیداری قرآن، موسیقایی آیات قرآنی، ژانرهای روایی تمثیلی نمایشی اسطوره‌ای قرآن، واقع‌بینی‌ها و غیب‌بینی‌های قرآن» (همان: ۲۳-۴۹) چند مسأله خاص دیگر نیز در این مطالعه بررسی شده است که از جنس «مطالعه ادبی و نقد ادبی»^(۱۷) است: «گفتگو و دیالوگ‌های قرآنی، صنایع ادبی قرآن، کنایه و طنز و شوخ طبعی در قرآن، سبک‌های شناختی قرآن» (همان: ۵۱-۳۰۱)

۳-۲-۳- ره یافتی به قرآن کریم: تعریف قرآن

اثر اسلام‌پژوه و عرب‌پژوه فقیه و متخصص فلسفه اسلامی محمد عابد الجابری را می‌توان نمونه متمایزی از مطالعات قرآنی نوشتنی و نوگرا دانست. «ره یافتی به قرآن کریم» (۱۳۹۴) تلفیقی است از کاربرد هم‌زمان متدهای مدرن علوم انسانی در حوزه هرمنوتیک و تئوری‌های علوم اسلامی سنتی برای فهم هرمنوتیکی ماهیت و سرشت متن مقدس قرآن.

در این باره در مقدمه آمده است: «این کتاب در حوزه علوم قرآنی است؛ زیرا علوم قرآنی به دانشی اطلاق می‌شود که از اصول فهم قرآن بحث می‌کند، اما این کتاب مشابه تألیفات دیگر این حوزه نیست. جابری در این کتاب نه خود را به مباحثی که به طور سنتی در تألیفات علوم قرآن مطرح است، محدود ساخته و نه صرفاً از ارزش‌های مرسوم و معمول در میراث اسلامی تبعیت نموده است. این اثری است انتقادی و محققانه در علوم قرآنی.» (الجابری ۱۳۹۴، پیش گفتار مترجم: ۹)

از ویژگی‌های بارز و ممتاز این مطالعه باید به این موارد اشاره نمود: «استفاده از تحلیل هرمنوتیکی، توجه به مضمون‌های قرآنی در بافتار تاریخی آن‌ها، استناد به علوم اسلامی سنتی بارویکرد تاریخی انتقادی و فهم قرآن با استناد به خود قرآن (اصل: القرآن یفسر بعضه بعضاً)» (همان: ۱۰-۱۲)

اما اصل موضوعه و مهم راهنمای کار محمد عابد الجابری در ره یافتی به قرآن کریم، که این کتاب بخشی از یک پروژه پژوهشی حجیم قرآن‌پژوهی و مطالعه چندجلدی آن است، بر این بنا شده است که «پرسش‌ها و پاسخ‌های مطالعات کتاب مقدس (یهودی - مسیحی) به خاطر بافتار فرهنگی تاریخی خاص این دو دین نمی‌تواند عیناً در مطالعه متن مقدس قرآن صدق کند و لذا پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن‌پژوهی به لحاظ فرهنگ و تاریخ خاص خود مجزا است. (همان: ۱۲)

اما جهت‌گیری محتوایی و معرفتی این اثر را می‌توان با ارجاع به عنوان بخش‌ها و فصول

کتاب بهتر فهم نمود. از این حیث عابد الجابری فقید کتاب را در سه بخش مهم سامان داده است: بخش اول عنوان «قرآنی پیرامون قرآن» (همان: ۶۱-۱۹۸) دارد، عنوان بخش دوم «سیر پیدایش و تکوین قرآن» است (همان: ۱۹۹-۳۴۰) و عنوان بخش سوم هم «قصص در قرآن» است. (همان: ۳۴۱-۵۶۰) اما مهم‌ترین مسایل و مضمون‌های قرآن پژوهانه این اثر عبارت است از: «تعریف قرآن، وحدت اصول ادیان ابراهیمی، امی بودن پیامبر اسلام (ص)، رسالت پیامبری، حقیقت نبوت و امامت و ولایت و وصایت، تاریخ قرآن، زبان‌شناسی قرآن.» روی هم رفته این اثر را می‌توان یک مطالعه تلفیقی از تاریخ و تفسیر و مضمون‌های قرآنی دانست که به طرز نوگرا مسایل سنتی را پاسخ داده است و برای برخی مسایل سنتی قرآن پژوهی مانند ماهیت وحی و رسالت نبوت و مانند آن به پرسش‌های نو رسیده است. حسن ممتاز این نوع مطالعات این است که هم می‌تواند برای پرسش‌های کلاسیک و سنتی قرآن پژوهی پاسخ‌های نو فراهم کند و هم اینکه می‌تواند برای پرسش‌های نو در قرآن پژوهی به سراغ پاسخ‌های کلاسیک و سنتی برود و آن‌ها را بازخوانی کند.

۳-۳-۳- معنای متن: پژوهشی در علوم قرآنی

اثر ارزنده نصر حامد ابوزید دین‌پژوه مصری (که در اواخر عمرش به خاطر تکفیر الازهری‌ها از بابت آرای نوگرایانه دین‌پژوهی‌اش در تبعید در غرب به سر برد)، طرحی است نوگرایانه و نوستی از مطالعات قرآنی. در «معنای متن: پژوهشی در علوم قرآنی» (مفهوم النص: درسه فی علوم القرآن) ابوزید کوشیده است تا مباحث رایج در علوم قرآنی را با نگاهی تازه و بانگش و ذهنیتی امروزی ببیند؛ یعنی با متدهای شناخته‌شده و روش‌های علمی. لذا این اثر هم یک کتاب سنتی است؛ یعنی هم به موضوعی کهن در میراث اسلامی می‌پردازد و هم مصالح آن عمدتاً متون تدوین‌یافته در سنت گذشتگان است. به این معنی در «معنای متن» ابوزید می‌کوشد با به‌کارگیری نظریه‌های متن‌شناختی و روش‌های متن‌پژوهی و زبان‌شناختی قرآنی تازه از علوم قرآنی به دست دهد. (ابوزید ۱۳۸۷؛ یادداشت مترجم ۱۱-۱۲)

قرآن‌پژوهی مندرج در معنای متن آن‌گونه که در «مقدمه مؤلف برای خواننده ایرانی» آورده است (همان: ۲۲-۴۵) مبتنی بر یک نوع «دیالکتیک متن - زمینه» است؛ یعنی تعامل میان قرآن (متن مقدس) و فرهنگ و تاریخ عربی و اجتماع جاهلی و صدر اسلام. قرآن‌پژوهی متأثر از این دیالکتیک هم متوجه «شکل‌گیری قرآن در امر واقع» است و هم در پی فهم «شکل‌دهی قرآن به امر واقع» است. (همان: ۱۳) از سوی دیگر ابوزید می‌خواهد با مطالعه قرآنی نوستی و نوگرایی از این دست، نحوه بازتاب امر واقع در قرآن و وجوه بازسازی آن را نشان دهد و از حیث پژوهش علمی چستی و چرایی و چگونگی این سازوکار را نیز فهم نماید.

این سنخ متن‌خوانی و متن‌کاوی به گفته ابوزید در «پیشگفتار: گفتمان دینی و روش علمی»

(همان: ۷۴-۷۵) ناشی از اهمیت قرآن در تمدن‌سازی اسلامی است؛ چون اسلام «تمدن متن» است و چون چنین است، تنها راه فهم متن در مطالعات قرآنی، کاربست هرمنوتیک تأویل متن و هرمنوتیک فهم مقاصد مؤلف متن در پرتوی بافتارهای تاریخی فرهنگی است و این دقیقاً تأیید معنایی است که ابوزید فقید برای نظریه معروف خود در قرآن پژوهی یعنی نظریه ارتباط متن قرآن با واقعیت قائل است. (همان: ۱۳)

از این حیث کلیت مضامین و محتوای کتاب ابوزید را باید با این نگاه کاوید. این مضمون‌های قرآن پژوهانه را ابوزید در سه بخش سامان داده است: در بخش اول کتاب با عنوان «شکل‌گیری و شکل‌دهی متن و فرهنگ» (همان: ۷۵-۷۶) به این موارد پرداخته شده است: «مفهوم وحی، گیرنده متن، رسالت و ابلاغ وحی، آیات مکی و مدنی، اسباب النزول قرآن، ناسخ و منسوخ در قرآن». در بخش دوم نیز با عنوان «سازوکارهای متن» (همان: ۲۴۱-۴۰۵) این مضمون‌ها آمده است: «اعجاز قرآن، مناسبت میان آیه‌ها و سوره‌ها، عام و خاص، غموض و سادگی، تفسیر و تأویل». و در بخش سوم هم با عنوان «تغییر مفهوم و کارکرد متن» (همان: ۴۰۶-۴۸۱) علوم اسلامی متعارف در جهان اسلام با الهام از متد امام محمد غزالی در «احیای علوم الدین» و ارسای نقادانه شده و جایگاه معرفتی علومی مانند تفسیر، حدیث، فقه بحث شده است و ضمن آن مسأله مهم تأویل مجازی و حقیقی قرآن هم طرح شده است.

۴- نمونه‌هایی معرف از پروبلماتیک‌های مطالعات قرآنی سنتی و مدرن

در این بخش پروبلماتیک‌هایی بررسی خواهد شد که در این انواع متنوع از مطالعات قرآنی (مدرن، سنتی، نوشتنی و نوگرا) مورد واری می‌توان یافت. به این منظور در جدول زیر شمای کلی این پروبلماتیک‌ها ترسیم شده است تا بهتر بتوان درباره موضوع مورد بحث به شناخت اجمالی رسید.

جدول ۲: نمونه پروبلماتیک‌های مطالعات قرآنی مدرن، سنتی، نوشتنی و نوگرا				
عناصر پروبلماتیک				رهیافت غالب - قالب قرآن پژوهی
روش	ایده - نظریه	مسأله	رویکرد	
منطق دانش‌های اسلامی سنتی و تفسیر، حدیث، نحو عربی	تأثیر متن مقدس بر زندگی مسلمانان	چگونگی شناخت متن قرآن برای تقویت دین‌داری فقهی سنتی	انتزاعی	سنتی

مدرن	انضمامی	چگونگی فهم متن قرآن برای شناخت مقایسه‌ای ادیان و جهان متون مقدس	تأثیر زمینه بر متن مقدس	منطق فلسفه و علوم انسانی مدرن
نوستنی و نوگرا	انضمامی	دین اسلام چگونگی فهم متن قرآن برای داشتن دین شناخت داری عقلانی سازنده و زیست معنوی اخلاقی	تعامل سازنده متن و زمینه	منطق فلسفه و علوم انسانی مدرن به همراه منطق دانش‌های اسلامی سنتی و تفسیر، حدیث و نحو عربی

هر چند تشریح مفصل این جدول با ذکر مصادیق بیش تر نیازمند مقاله‌ای مستقل است، اما در حد حوصله این مقاله و به طور خلاصه باید گفت که مفاد شکل چند نکته مهم برای بحث‌های آتی را نشان می‌دهد:

اول: مطالعات قرآنی سنتی از حیث رویکرد «انتزاعی» اندیش است؛ یعنی صرفاً به «متن» متوجه است، اما دو سنخ دیگر (مطالعات قرآنی مدرن و نوستنی و نوگرا) «انضمامی» اندیش است؛ به این معنا که به امر واقع و «زمینه متن» توجه دارد.

دوم: مطالعات قرآنی سنتی از لحاظ مسأله مورد بحث، عمدتاً متوجه شناخت صوری متن مقدس است آن هم در راستای «تقویت دین‌داری سنتی و فقهی» مورد نیاز اجتماع مسلمانان. برخلاف این، مسأله مطالعات قرآنی مدرن چگونگی فهم متن قرآن برای «شناخت مقایسه‌ای ادیان و جهان متون مقدس» است. مسأله مطالعات قرآنی مدرن و نوستنی و نو، هم «شناخت دین اسلام» و هم چگونگی «فهم متن قرآن» برای داشتن دین‌داری عقلانی سازنده و زیست معنوی اخلاقی است.

سوم: مطالعات قرآنی سنتی، از حیث ایده و نظریه در پی شناخت «تأثیر متن بر امر واقع و زمینه» است، اما مطالعات قرآنی مدرن با ایده - نظریه «تأثیر زمینه بر متن مقدس» مانوس است. مطالعات قرآنی نوستنی و نوگرا عمدتاً با ایده - نظریه «تعامل سازنده متن و زمینه» انس گرفته است.

چهارم: مطالعات قرآنی سنتی، از حیث روش شناخت و قرآن‌پژوهی متکی بر «منطق دانش‌های اسلامی سنتی و تفسیر، حدیث، نحو عربی» است، اما منطق مطالعات قرآنی مدرن، «منطق فلسفه و علوم انسانی مدرن» است. این در حالی است که مطالعات قرآنی نوستنی و نوگرا از دو منطق بهره می‌برد: «منطق فلسفه و علوم انسانی مدرن» به همراه «منطق دانش‌های اسلامی سنتی و تفسیر، حدیث و نحو عربی»

نتیجه‌گیری

این مقاله گامی مقدماتی و مبنایی برای عزیمت به سمت معرفی مختصر و فشرده نودانشی به نام و صفت «فلسفه مطالعات قرآنی» است؛ یعنی فلسفه‌ای مضاف از جنس «فلسفه علم» و «فلسفه علوم انسانی اجتماعی» متعارف که مورد نیاز برای شناخت دقیق و عمیق و روشمند و نظام‌مند «مطالعات قرآنی» با هدف «تحلیل انتقادی» از روند مطالعات قرآنی موجود و «توصیه راهبردی» برای مطالعات قرآنی تکمیلی و پیشرفته است. به این سبب این مقاله با ابتنا به «فلسفه مطالعات قرآنی» مواضع معرفتی زیر را درباره مطالعات قرآنی در دسترس نشان می‌دهد.

اول: «مطالعات قرآنی» در دسترس در غرب و جهان اسلام را می‌توان از حیث چند عامل و معیار مهم و مبنایی از جمله «رهیافت به قرآن، زبان فنی تحلیل متن، دانش پایه مورد اتکا برای نظر مند کردن یافته‌های قرآن پژوهی و فرهنگ دانش پژوهانه غالب - قالب» در آن در سه سنخ معرفتی عقیدتی مبنایی فهم نمود: «سنتی، مدرن، نوستی و نوگرا».

دوم: یکی از وجوه ممتاز و متمایز «مطالعات قرآنی» سنتی و مدرن این است که زبان معیار مطالعات قرآنی سنتی عمدتاً «تجلیلی - اعتقادی» است، حال آنکه زبان مطالعات قرآنی مدرن عمدتاً «تحلیلی - انتقادی» است؛ اما «مطالعات قرآنی نوستی و نوگرا» در سپهرهایی از جهان اسلام عمدتاً ترکیبی از این دو نوع زبان معیار فنی است.

سوم: مهم‌ترین مقرر و خاستگاه تاریخی معرفتی «مطالعات قرآنی مدرن» از رنسانس به این سو، به ویژه در عصر پساروشنگری (سده ۱۸م) همچنان جغرافیای فرهنگی اروپا عمدتاً با تمرکز بر مراکز آکادمیک آلمان و فرانسه و انگلیس است.

چهارم: مهم‌ترین مقرر و خاستگاه تاریخی معرفتی «مطالعات قرآنی نوستی و نوگرا» (علاوه بر «مطالعات قرآنی سنتی» که خاستگاه آن در طی یک و نیم هزاره از تاریخ اسلام همچنان جهان اسلام عربی - پارسی است) جغرافیای فرهنگی عربی - پارسی اسلام است.

پنجم: مهم‌ترین دغدغه «فلسفه مطالعات قرآنی» (فلسفه‌ای که قصد و مقصود آن پرسش از چیستی و چگونگی انجام مطالعات قرآنی و سنجش مفهومی تئوریک و متدیک به سبک انتقادی و هنجاری این مطالعات با هدف تقویت و تصحیح روال آن‌ها است)، هم سنخ‌شناسی مطالعات است و هم کشف «پروبلماتیک» مورد اتکای این مطالعات.

ششم: بر مبنای الزامات و مقتضیات «فلسفه مطالعات قرآنی» (که نوعی خاص از فلسفه‌های مضاف متعارف و مدرن به سبک و سیاق «فلسفه علم» و «فلسفه علوم انسانی اجتماعی» رایج است)، مهم‌ترین خصایص گشتالت پروبلماتیک مطالعات قرآنی مدرن، سنتی، نوستی و نوگرای واری شده در این مقاله (صرفاً به عنوان نمونه معرف و خوشه‌ای زرین از خرمن ارزنده قرآن پژوهی) این است:

الف) رویکرد انتزاعی «مطالعات قرآنی سستی» عمدتاً به «تأثیر متن بر زمینه» می‌پردازد و قرآن‌پژوهی اعتقادی آن نیز عمدتاً از منظر فقهی - معارفی می‌بیند.

ب) رویکرد انضمامی «مطالعات قرآنی مدرن» در کلیت خود معطوف به «تأثیر زمینه بر متن» است و موضع آن نیز در قرآن‌پژوهی تقویت یک معرفت‌شناسی مقایسه‌ای انتقادی بین‌الادیانی و بینامتون مقدس است.

پ) اما رویکرد انتزاعی - انضمامی و تلفیقی مندرج در «مطالعات قرآنی نوستی و نوگرا» منجر به این شده است که قرآن‌پژوهی‌های اعتقادی و انتقادی شکل گرفته و ضمناً «تعامل سازنده متن و زمینه» مطمح نظر قرار گیرد.

پی نوشت

و اما نکته آخر این که

هدف «مطالعات قرآنی نوستی و نوگرا» در جهان اسلام عربی - پارسی استفاده از فهم هرمنوتیکی قرآن کریم (ام‌الکتاب و سر متن متون مقدس ادیان ابراهیمی) برای «زیست معنوی اخلاقی مدرن معنویت‌مند ملهم از قرآن» است.

لذا اگر «فلسفه مطالعات قرآنی» بتواند در این پروژه حیاتی مساهمت داشته باشد - که حتماً این‌گونه است و جز این نیست - سعی این مقاله برای طرح بحث در «فلسفه مطالعات قرآنی» منتج به نتیجه شده است.

یادداشت‌ها

۱. برای «تاریخ قرآن» به عنوان نمونه نگاه شود به: محمود رامیار، (۱۳۹۵): تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. برای مطالعات دو متن دینی یهودی مسیحی عهدین قدیم و جدید «تورات و انجیل» نگاه شود به: * عهد عتیق - جلد اول/ کتابهای شریعت یا تورات: بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، (۱۳۹۶): ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر هرمس.
- * عهد عتیق - جلد دوم/ کتاب‌های تاریخ: بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، (۱۳۹۶): ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی.
- * عهد جدید [انجیل] - بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، (۱۳۹۶): ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی.
- * انجیل برنابا، (۱۳۹۰): ترجمه حیدرقلی خان قزلباش (سردار کابلی)، تهران، المعی.
۳. در مورد «علوم اسلامی» نگاه شود به: * عثمان بکار، (۱۳۸۹): طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ترجمه جواد قاسمی، با مقدمه سید حسین نصر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تهران.
- * مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰): کلیات علوم اسلامی ۱: منطق و فلسفه، تهران، انتشارات صدرا.

- * مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰): کلیات علوم اسلامی ۲: کلام، عرفان، حکمت عملی، تهران، انتشارات صدرا.
- * مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰): کلیات علوم اسلامی ۳: اصول فقه، فقه، تهران، انتشارات صدرا.
۴. درباره «قصص الانبیاء» نگاه شود به:
- * نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور [سده ۵ق/۱۱م]، (۱۳۹۲): قصص الانبیاء، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. هنوز هم در بسیاری از حوزه‌های دانش پژوهی سنتی در جهان اسلام منظور از «مطالعات قرآنی سنتی» صرفاً دانش - فن «تفسیر قرآن» است. به عنوان نمونه نگاه شود به:
- * جمعی از مؤلفان، (۱۳۸۹): تفسیر قرآن: تاریخچه، اصول، روش‌ها، تهران: نشر کتاب مرجع.
- البته در متن همین نوع از مطالعات قرآنی سنتی نیز امکان بازیابی نسبی و بازخوانی نحیف «پروبلماتیک» به معنای مورد نظر این مقاله با استفاده از «هرمنوتیک دینی» تا اندازه‌ای متصور است؛ برای نمونه نگاه شود به:
- * ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد [سده ۴ق/۱۰م]، (۱۳۸۶): اقتباس از قرآن کریم، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- * غزالی، محمد [سده ۵ق/۱۱م]، (۱۳۹۴): جواهر القرآن، ترجمه مهدی کمپانی زارع، تهران: نشر نگاه معاصر.
- * گلدزیهر، ایگناس، (۱۳۹۳): گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: نشر ققنوس.
- * سندز، کریستین زهرا، (۱۳۹۷): تفاسیر صوفیانه قرآن از سده چهارم تا نهم، ترجمه زهرا پوستین دوز، تهران: حکمت.
۶. برای «مطالعات قرآنی مدرن چنددانشی» به عنوان نمونه نگاه شود به:
- * ونز برو، جان و دیگران،* (۱۳۹۲): زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: هرمس.
- * هاوتینگ، جرالد و عبدالقادر شریف، (۱۳۸۹): رهیافت‌هایی به قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.
- * ریپین، اندرو، (۱۳۹۲): رویکردهایی به تفسیر قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.
- * شبمل، آنه ماری، (۱۳۸۹): رمز گشایی از آیات الاهی - تبیین آیات خداوند، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- * ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۹۳): خدا و انسان در قرآن - معناشناسی جهان‌بینی قرآنی، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۷ و ۸. برای یک نمونه «مطالعات قرآنی نیمه‌سنتی» در جهان اسلام نیمه‌مدرن و «مطالعات قرآنی مدرن» در جهان اسلام شبه‌مدرن نگاه شود به:
- * ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۹): معنای متن - پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: طرح نو.
- * ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۹): رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن، ترجمه احسان موسوی خلیلی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- * عابد العجبری، محمد، (۱۳۹۳): رهیافتی به قرآن کریم - در تعریف قرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر نی.
- * میر، مستنصر و عبدالحسین رئوف، (۱۳۹۰): مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی - رویکردهای زبان‌شناختی،

ترجمه ابوالفضل حری، تهران: انتشارات نیلوفر.

* عبدالرئوف، حسین، (۱۳۹۷): بیوستاری در قرآن - تحلیل مفهومی بینامتنی زبان شناختی، ترجمه محمود کریمی و محمد صادق هدایت زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۹. برای یک نمونه از «مطالعات قرآنی سنتی» (اعتقادی تجلیلی) نگاه شود به:

* بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۳۹۱): اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

* نجاتی، محمد عثمان، (۱۳۸۸): قرآن و روان شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

* فعالی، محمد تقی، (۱۳۹۴): معرفت شناسی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰. در مورد تئوری - متد «هرمنوتیک» برای نمونه نگاه شود به:

* پالمر، (۱۳۸۹): علم هرمنوتیک، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.

* نیچه، فردریش، مارتین هایدگر، هانس گئورگ گادامر و دیگران، (۱۳۹۱): هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها، ترجمه بابک احمدی، مهران مهاجری و محمد نبوی، تهران: نشر مرکز.

* ک. هوی، دیوید، (۱۳۸۵): حلقه انتقادی: هرمنوتیک، تاریخ، ادبیات و فلسفه، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: انتشارات روشنگران.

* گروندن، ژان، (۱۳۹۵): هرمنوتیک، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.

۱۱. به صورت اختصاصی نیز برخی از بحث های «هرمنوتیک دینی» نیز در این چند اثر مهم آمده است:

* کاکس، (۱۳۹۷): پدیدارشناسی دین، ترجمه جعفر فلاحی، تهران: نشر مرکز.

* گادامر، هانس گئورگ، (۱۳۹۶): هرمنوتیک دین و اخلاق، ترجمه شهاب امیرخانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

* شلایر ماخر، فردریش [سده ۱۹م]، (۱۳۹۹): درباره دین: سخنانی با تحقیرکنندگان فریخته اش، ترجمه محمدابراهیم باسط، تهران: نشر نی.

۱۲. برای آگاهی از «منطق های متعارف فلسفه و علوم انسانی اجتماعی مدرن» به عنوان نمونه نگاه شود به:

* بومر، فرانکلین لوفان، (۱۳۹۷): جریان های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی: گزیده آثار بزرگ در تاریخ اندیشه غربی از سده های میانه تا امروز، ترجمه حسین بشیریه، تهران: انتشارات چاپخش.

* برونوفسکی، ج. و ب. مازلیش، (۱۳۹۳): سنت روشن فکری در غرب: از لئوناردو تا هگل، ترجمه لیلا سازگار، تهران: نشر آگاه.

* فروند، ژولین، (۱۳۷۲): نظریه های مربوط به علوم انسانی، ترجمه محمدعلی کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

* کالنیکیوس، آلکس، (۱۳۸۳): درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر آگه.

* سجویک، پیتر، (۱۳۸۸): مروری بر فلسفه اروپایی: از دکارت تا دریدا، ترجمه محمدرضا آخوندزاده، تهران: نشر نی.

* هاملین، (۱۳۷۴): تاریخ معرفت شناسی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۳. مشخصات کتاب شناختی سه نمونه معرفت از مطالعات قرآنی سنتی مورد واریسی در این مقاله از این قرار است:

* ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد [سده ۴ق/ ۱۰م]، (۱۳۸۶): اقتباس از قرآن کریم، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

* غزالی، محمد [سده ۵ق/ ۱۱م]، (۱۳۹۴): جواهر القرآن، ترجمه مهدی کمپانی زارع، تهران: نشر نگاه معاصر.

* بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۳۹۱): اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۴. برای نمونه متون «فلسفه علم» و «فلسفه علوم انسانی» نگاه شود به:

* فروند، ژولین، (۱۳۷۲): نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه محمد علی کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

* اوکاشا، سمیر، (۱۳۸۷): فلسفه علم، ترجمه هومن پناهنده، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

۱۵. البته این دیدگاه غزالی در جواهر القرآن از منظر «هرمنوتیک مدرن هایدگری - گادامری» محل مناقشه است. وفق این هرمنوتیک، ما از طریق «پیش‌داشت‌ها vorhaben / پیش‌فهم‌ها vorbegriff / پیش‌دیده‌ها vorsicht» نایل به فهم متون می‌شویم. بنابراین هیچ مؤلف و محقق و مخاطبی، از جمله قرآن‌پژوه مورد نظر غزالی، نمی‌تواند بدون این میانجی‌های فکری فرهنگی تاریخی با متن، از جمله متن مقدس قرآن، به فهم متن نایل شود. در این مورد نگاه شود به:

* نیچه، فردریش، مارتین هایدگر، هانس‌گئورگ گادامر و دیگران، (۱۳۹۱): هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها، ترجمه بابک احمدی، مهران مهاجری و محمد نبوی، تهران: نشر مرکز.

۱۶. نگاه شود به:

* کریمی‌نیا، مرتضی، (۱۳۸۹): ساخت‌های زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن، تهران: هرمس.

۱۷. برای آشنایی با دانش «مطالعه ادبی و نقد ادبی» به عنوان نمونه نگاه شود به:

* سلدون، رامان و پیتر ویدوسون، (۱۳۸۴): راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

کتابنامه

- ابوزید، نصر حامد، (۱۳۸۹): معنای متن - پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: طرح نو.
- بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۳۹۱): اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد [سده ۴ق/ ۱۰م]، (۱۳۸۶): اقتباس از قرآن کریم، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریپین، اندرو، (ویراستار) (۱۳۹۲): رویکردهایی به تفسیر قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.
- عابد الجابری، محمد، (۱۳۹۳): رهیافتی به قرآن کریم - در تعریف قرآن، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر نی.
- غزالی، محمد [سده ۵ق/ ۱۱م]، (۱۳۹۴): جواهر القرآن، ترجمه مهدی کمپانی زارع، تهران: نشر نگاه معاصر.
- گلدزیهر، ایگناس، (۱۳۹۳): گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: نشر ققنوس.
- میر، مستنصر و رئوف عبدالحسین، (۱۳۹۰): مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی - رویکردهای زبان‌شناختی، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: انتشارات نیلوفر.

- ونز برو، جان و دیگران، (۱۳۹۲): زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: هرمس.
- هاوتینگ، جرالده و شریف عبدالقادر، (۱۳۸۹): رهیافت‌هایی به قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.

Bibliography

- Abu Zaid, Nasr Hamed, (2010): The meaning of text-research in Quranic sciences, translated by Morteza Kariminia, Tehran: New Plan.
- Bint Al-Shati, Ayesha Abdolrahman, (2012): The Expressive Miracle of the Quran, translated by Hossein Saberi, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Tha'labi, Abu Mansour Abdul Malik Ibn Muhammad [4th century AH / 10 AD], (2007): Adapted from the Holy Quran, translated by Hossein Saberi, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Ripin, Andrew, (Editor) (2013): Approaches to the Interpretation of the Qur'an, by Mehrdad Abbasi, Tehran: Hekmat.
- Abed Al-Jaberi, Mohammad, (2014): An Approach to the Holy Quran - In the definition of the Quran, translated by Mohsen Armin, Tehran: Nashr-e Ney.
- Ghazali, Mohammad [5th century AH / 11 AD], (1394): Jawahar al-Quran, translated by Mehdi Kompani Zare, Tehran: Negah Moaser Publishing.
- Goldziher, Ignas, (2014): Interpretive tendencies among Muslims, translated by Seyyed Nasser Tabatabai, Tehran: Phoenix Publishing.
- Mir, Mustansir and Raouf Abdolhossein, (2011): Studying the Qur'an as a Literary Work - Linguistic Approaches, translated by Abolfazl Hori, Tehran: Niloufar Publications.
- Wenz Borou, Jan et al., (2013): The Language of the Qur'an, Quran Interpretation: A Collection of Western Quranic Studies Articles, Translated by Morteza Kariminia, Tehran: Hermes.
- Houting, Gerald and Sharif Abdolqader, (2010): Approaches to the Qur'an, by Mehrdad Abbasi, Tehran: Hekmat.